

دکتر علی حصوری *

در باره دستنویس دیوان حافظ در دهلی نو

آقای مدیر

در شماره آذرماه ۱۳۵۱ مجله خرد و کوشش، صفحه ۳۸ نسخه‌ای از دیوان حافظ بعنوان یکی از نسخه‌های خطی کهنه و اصیل دیوان حافظ، معرفی شده است که من متأسفانه اکنون (دهم آبانماه ۱۳۵۲) بدیدن آن نایل شدم. علامت نسخه‌تنها شماره ثبت آن ۶۷ و ۴۶ (67 , 46) و نسخه در موزه دهلی نواست.

آقای دکتر سید امیر حسن عابدی در معرفی نسخه میگویند: « از صفحه آخر معلوم میشود که نسخه مذکور در سال ۷۵۹ هجری قمری یعنی سی و یک سال (که باید باشد سی و سه بفرص ۷۹۲ سال وفات ویاسی و دو بفرص ۷۹۱) پیش از وفات خواجه حافظ استنساخ گردیده، و اما باید شواهد داخلی هم اینرا تأیید کند. »
من پس از مقدمات دیگر ایشان بمحض اینکه در صفحه ۴۳ عکس صفحه اول

نسخه را دیدم دانستم که نمیتواند از سال ۷۵۹ باشد زیرا که خط آن نستعلیق جا افتاده‌ای است که چنانکه در صفحات دیگر آن (عکس‌های صفحات ۵۱ و ۴۸) دیده می‌شود مثلاً «پ» را با سه نقطه نوشته است که باید خیلی جدید باشد.

خوشبختانه نویسنده دانشمند مقاله عکس آخرین صفحه نسخه را که تاریخ کتابت دارد در این مقاله آورده اند و من تاریخ آن را ۱۰۵۹ خواندم که میشود اواسط قرن یازدهم و نه ۷۵۹ (اواسط قرن هشتم)

بدلایل بسیار - که اینجا جای ذکر آن نیست - اشعار حافظ در حیات او جمع آوری نشده است و وضع دیوان در همه نسخه‌های موجود - نشان می‌دهد که گردآوری پس از مرگ او است که در نتیجه مقدار زیادی از اشعار حافظ‌های دیگر و معاصران او در آن جمع شده است. در نسخه مورد بحث و در صفحه آخر نویسنده عدد ۱۰۵۹ را بالای کلمه «سنه» نوشته و نقطه نون «سنه» طوری به عدد یک چسبیده که آن را تبدیل به هفت کرده و آنگاه صفر عدد ۱۰۵۹ نقطه سنه خوانده می‌شود و بنابراین ظاهراً سنه ۷۵۹ خوانده می‌شود که واقعاً چنین است :

۱۰۰۵۹

سنه

بدین ترتیب این نسخه اگرچه بسیار مذهب و آراسته و بسیار با ارزش است اما متعلق به قرن هشتم نیست و مهم‌ترین گواه حتی مهم‌تر از این تاریخ، خط آن است که نستعلیقی است پخته و نه متعلق به او ان ظهور این خط .

گذشته از اینها اگر این نسخه متعلق به ۷۵۹ باشد لازم است که غزل‌های آن متعلق به قبل از این تاریخ بوده باشد که حافظ جوان بوده است و نه پیر ولی لا اقل پنج غزل در آن هست که اشاره‌ای به سن حافظ (در بالاتر از پنجاه سالگی) دارد (صفحه ۴۵) باین حساب نیز مجموعه باید متعلق به پس از پیری او باشد.

نکات دیگری بر این مقاله میتوان گرفت که مربوط به اغلاط دیوان حافظ و در نتیجه بدفهمی مطالب است که چون عمومی است از آنها می‌گذریم. نکاتی که از قول

آقای دکتر خانلری در مورد متأخر بودن نسخه آورده شده از جمله قصایدی که در مدح شاه شجاع و در نتیجه متعلق به پس از ۷۵۹ است دلایل دیگری در تأیید سخن اینجانب است. ولی حدس نویسنده مقاله و آقای دکتر خانلری راجع به سال نسخه بدلایلی که ذکر شد اصلا صحیح نیست.

حدس آقای افشار نیز (در شماره ۱۱ و ۱۲ مجله، بهار و تابستان ۱۳۵۲) در مورد تغییر ۱۰۵۷ به ۷۰۵۷ (؟) بسیار بعید است زیرا اگر کسی قصد تقلب در نسخه را داشته باشد هیچ وقت صفر (به آن کله گندگی) را در آن بجا نمی گذارد. تنها اشتباه آقای دکتر خانلری این است که صفر را نقطه سینه پنداشته اند و حال آنکه نقطه سینه به عدد يك چسبیده و آن را تبدیل به هفت کرده است.

